



(Research article)

The Effects of the Learning Model, Skilled Model, and Positive Self-review on the Learning of Front Crawl Swimming in Children

Majid Razavinia¹, Shahab Parvinpour², Saeed Arsham³

1. Majid Razavinia, (M.S) Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Shahab Parvinpour, (Ph.D) Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Saeed Arsham, (Ph.D) Kharazmi University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Received March 2017

Accepted June 2017

KEYWORDS:

Observational learning ,
learning model, skilled model,
positive self-review ,front crawl
swimming

CITE:

Razavinia, Parvinpour, Arsham,
**The Effects of the Learning
Model, Skilled Model, and
Positive Self-review on the
Learning of Front Crawl
Swimming in Children**, Research
in sport management & motor
behavior, 2020: 10(19):105-121

ABSTRACT

One of the main goals of the mission of experts motor learning is maximize the quality of learning experiences and optimize the educational environment .The purpose of this study was focusing on the effects of learning model, skilled model and positive self-review crawl on learning in children aged 9 to 11 years in Alborz Province. Participants of the random and available samples divided into different groups. Thus, Participants of all groups practiced three time in a week which have 20 attempt to practice in every session and totally all the crawl swimming exercises were finished at 12 session. at the end of the twelfth session acquisition test and a week after the end of the last session retention and transfer tests were taken. The dependent variable was the quality of Participants which was performed by swimming instructor-notch swimming using crawl skills assessment Czech list. The results indicate the advantage of the three types of model crawl performance and significant difference between groups in the acquisition, retention and transfer test) $p < 0/05$ (.Also, positive self-review and learning model groups was considerably better than skilled model and control group in Acquisition test. Furthermore, skilled model group scores are really higher than the control group. Positive self-review groups had the best performance in the retention and transfer tests in comparison with the other groups (learning model, skilled model and control). After that, learning model group was more effective than the rest of them (skilled model and Control groups). Finally, control groups had lowest performance among all mentioned groups



پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی



*** (مقاله پژوهشی) ***

تأثیر الگوی در حال یادگیری، الگوی ماهر و خودمروگرایی مثبت بر یادگیری شنای کراال سینه در کودکان

مجید رضوی نیا^۱، دکتر شهاب پروین پور^۲، دکتر سعید ارشم^۳

۱. کارشناسی ارشد رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر الگوی در حال یادگیری، الگوی ماهر و خودمروگرایی مثبت بر یادگیری شنای کراال سینه در کودکان با دامنه‌ی سنی ۹ تا ۱۱ ساله استان البرز بود. شرکت کنندگان از نمونه در دسترس و به صورت تصادفی در گروه‌های مختلف تقسیم شدند. بدین ترتیب افراد همه گروه‌ها باتوجه به دستورالعمل‌هایی که مربوط به گروهی که در آن قرار داشتند، در مجموع ۱۲ جلسه به تمرین مهارت‌های شنای کراال سینه پرداختند. در پایان آخرین جلسه آزمون یادداری فوری و یک هفته پس از آن آزمون یادداری و انتقال گرفته شد. متغیر وابسته کیفیت شنای افراد بود که با استفاده از چک لیست ارزیابی مهارت شنای کراال سینه انجام گرفت. نتیجه‌ی تحقیق حاکی از سودمندی هر سه نوع الگودهی بر عملکرد شنای کراال سینه و تفاوت معنادار بین گروه‌ها در آزمون اکتساب، یادداری و انتقال بود ($p < 0.05$). همچنین در مقایسه‌ی بین گروه‌ها گروه خودمروگرایی مثبت و الگوی در حال یادگیری در آزمون یادداری فوری از گروه الگوی ماهر و کنترل بهتر بودند. گروه الگوی ماهر نیز نمرات بهتری از گروه کنترل داشت. در آزمون‌های یادداری و انتقال گروه خودمروگرایی مثبت از سه گروه (در حال یادگیری، ماهر، کنترل) عملکرد بهتری داشت. بعد از آن گروه الگوی در حال یادگیری از دو گروه (ماهر و کنترل) بهتر بود و در آخر گروه الگوی ماهر از گروه کنترل بهتر عمل کردند. براساس این یافته‌ها می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد، در جایی که دسترسی به امکانات ویدئویی وجود دارد، می‌توان از الگودهی استفاده کرد. چه بسا آموزش از این طریق، به لحاظ صرف وقت و هزینه برای شاگردان، مربیان، معلمان و والدین سودمندتر است و موجب یادگیری بیشتر و پایدارتر می‌شود.

اطلاعات مقاله:

دریافت مقاله فروردین ۱۳۹۶

پذیرش مقاله تیر ۱۳۹۶

*** نویسنده مسئول:**

raazavi.majid@gmail.com

واژه‌های کلیدی:

الگوی در حال یادگیری، الگوی ماهر، خودمروگرایی مثبت، شنای کراال سینه، یادگیری مشاهده‌ای

ارجاع:

رضوی نیا، پروین پور، ارشم. تأثیر الگوی در حال یادگیری، الگوی ماهر و خودمروگرایی مثبت بر یادگیری شنای کراال سینه در کودکان. پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، ۱۳۹۹: ۱۰ (۱۹): ۱۰۵-۱۲۱

مقدمه

الگودهی، نوعی روش آموزش است که شامل نمایش مهارت برای افزایش دانش مهارت برای فراگیرانی که قصد مهارت آموزی را دارند استفاده می‌شود. نمایش مهارت یکی از قدرتمندترین ابزارهایی است که مربیان تربیت بدنی از آن به منظور انتقال اطلاعات مربوط به مهارت به فراگیر در یک زمان کوتاه استفاده می‌کنند. بنابر دیدگاه نظریه‌ی شناختی، وقتی که فردی مدلی را مشاهده می‌کند، اطلاعات مشاهده شده را به رمزهای سمبولیک حافظه‌ای تبدیل می‌کند. این رمزها اساس یک تصویر ذهنی را در حافظه تشکیل می‌دهد. در گذشته فرض بر این بود که مدل‌هایی که در جهت یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند حتما باید در مهارت مورد نظر بسیار ماهر باشند، چرا که تنها در این صورت است که مشاهده‌گرها اطلاعاتی درباره‌ی چگونگی اجرای صحیح تکلیف دریافت می‌کنند. این فرضیه توسط آدامز (۱۹۸۶) به چالش کشیده شد. او برای اولین بار از مدل‌های درحال یادگیری^۱ استفاده کرد. این مدل‌ها به تمرین تکلیف مورد نظر می‌پرداختند درحالی که هیچ گونه تجربه قبلی با آن نداشته و همچون مشاهده‌گرها اولین باری بود که با آن مواجه می‌شدند. این دیدگاه توسط مک کولا و کیرد (۱۹۹۰) گسترش یافت. نتایج تحقیق آنها حاکی از این بود، افرادی که مدل درحال یادگیری به همراه آگاهی از نتیجه^۲ (KR) را دیده بودند برتر از افرادی بودند که مدل ماهر برای آنها ارائه شده و یا آنهایی که مدل درحال یادگیری مشاهده کردند اما از دیدن KR اجرای مدل محروم بودند. این یافته توسط آدامز و همچنین مک کولا و کیرد چنین تفسیر شد که با دریافت KR درباره اجراهایی با دقت‌های مختلف، مشاهده‌گرها قادرند در فرایندهایی مشابه با تمرین جسمانی درگیر شوند و در نتیجه می‌توانند مرجع تصحیحی را توسعه دهند که در هنگام اجرای تکلیف از سوی خودشان مورد استفاده قرارگیرد (۱، ۲). تحقیقات زیادی در زمینه‌ی الگوی در حال یادگیری (الگوی مبتدی) بر یادگیری مهارت صورت گرفته است. برخی از محققان معتقد به مفید بودن آن در تسهیل یادگیری مهارت بوده‌اند. به عنوان مثال: مک کولا و مایر (۱۹۹۰) گزارش کردند، مشاهده‌ی مدل درحال یادگیری به همراه دریافت بازخورد از نتیجه، منجر به خطای کمتر نسبت به گروه مشاهده‌ی مدل ماهر می‌گردد (۳).

در تحقیقی دیگر امیر دانا و همکاران (۲۰۱۱) تاثیر یک دوره تمرین مشاهده‌ای را بر یادگیری مهارت سرویس بدمینتون مورد ارزیابی قرار دادند که بهبود عملکرد و اجرا را در مدل درحال یادگیری نشان داده‌اند (۴).

برنالد مارتینز و همکاران (۲۰۱۳) گزارش کردند، مشاهده‌ی مدل همسان (درحال یادگیری) تاثیر مثبتی بر یادگیری مهارت‌های تست فیزیکی نسبت به گروه کنترل دارد (۵). برخی دیگر از محققان معتقدند که الگوی درحال یادگیری تاثیر

^۱. learning model

^۲. Knowledge of results

مثبتی در اجرای مهارت ندارد. به عنوان نمونه نتایج مارتنز و همکاران (۱۹۷۶) نشان دادند، استفاده از مدل ماهر در مقایسه با مدل غیر ماهر منجر به اجرای بهتری از سوی فراگیران می شود (۶). در تحقیقی دیگر زتو و همکاران (۲۰۰۲) به مقایسه دو مدل ماهر و غیرماهر در اکتساب دو مهارت والیبال پرداختند، نتایج حاکی از برتری مدل ماهر نسبت به غیر ماهر در اجرای تمرین بود (۷). از طرفی محققان به این نتیجه رسیدند، زمانی که مدل مشاهده شده به مدل اجرا کننده خیلی شبیه باشد اجرا کننده ی مهارت با مدل ارتباط برقرار می کند و تاثیر بیشتری در یادگیری مهارت دارد. همچنین هولمس و کالمس (۲۰۰۸) دریافتند از نظر نوروفیزیولوژیکی مشاهده ی الگوی خود در مقایسه با مشاهده الگوی دیگران به ساز و کارهای عصبی و پاسخ های عملکردی بیشتر و کارآمدتری می انجامد (۸). به بیان دیگر هرچه الگوی مشاهده شده شباهت بیشتری به خود فرد داشته باشد (مشاهده ی خود) ممکن است تاثیر مثبتی در اجرای مهارت داشته باشد. از دلایلی که برای تناقضات موجود در تحقیقات ذکر شده است فاکتورهای روانی همچون خودکارآمدی و اعتماد به نفس بالاتر افراد در هنگام مشاهده ی مدل خود یا شبیه خودشان در مقایسه ی با مدل های دیگر می باشد.

در تحقیقی نشان داده شد که مشاهده ی خود (خودالگودهی) منجر به اجرای بهتر در شنا نسبت به مشاهده ی شخص دیگر می شود و باعث می گردد که ورزشکار خود را واقع بینانه تر از مشاهده ی اجرای دیگران ارزیابی کند (۹). این شکل از مدل می تواند به عنوان الگودهی مداخله ای که به صورت بازخورد ویدئویی نمایش داده می شود عرضه گردد (۱۰). در مداخله ی خودالگودهی، بهترین اجرای مهارت فرد انتخاب شده و به صورت مکرر به فرد نشان داده می شود (خودمرورگری مثبت) و یا اینکه مهارتی اصلاح شده از حرکت فرد ساخته می شود که فرد تاکنون نتوانسته چنین اجرایی داشته باشد و هدف فرد را رسیدن به چنین الگویی ارزیابی می کنند (خود الگودهی پیشخوراند) یا اینکه تمام مهارت های فرد که در سطح صحیح مهارت مورد نظر است به آزمودنی نشان می دهند (خودمشاهده گری) (۱۰).

پژوهشگران با بررسی روش های مداخله ای خودالگودهی بر نتیجه و شکل مهارت به نتایج متناقضی دست یافته اند. محققانی که خودالگودهی را در حیطه ی رفتار حرکتی مورد مطالعه قرار دادند، نشان دادند استفاده از خودالگودهی در بهبود فعالیت های بدنی مختلف چون شنا، گلف یا بسکتبال از اینکه هیچ مدلی مشاهده نشود بهتر است (۳، ۱۰-۱۲). ویس (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی تاثیر مدل های همسان در عملکرد مهارت های شنا پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که گروه الگوی همسان برتر و الگوی همسان نسخه برداری شده، نتایج بهتری در بهبود عملکرد شنا نسبت به گروه کنترل کسب کردند. استماری (۲۰۱۱) در تحقیق خود به بررسی نمایش ویدئو ژیمناستیک کاران در طول فصول رقابت و مسابقات آنها به صورت خودالگودهی و گروه کنترل پرداختند. نتایج آنها نشان داد، گروهی که مشاهده ی ویدئویی داشتند امتیازات بالاتری نسبت به گروه دیگر کسب کردند. در تحقیقی که شمسی پور و عبدلی (۱۳۹۵) انجام دادند نتایج آن نشان داد، مداخله های الگوی پیشخوراند و خودمرورگری مثبت بیشتر از سایر مداخله ها بر ارتقای باورهای خودکارآمدی تاثیر

داشت. پیرمردیان، بهرام (۱۳۹۱) به بررسی اثر الگودهی ویدئویی فرد ماهر و خودالگودهی بر یادگیری پرتاب آزاد بسکتبال در دانش آموزان عقب مانده ذهنی مقطع دبستان پرداختند. نتایج نشان داد الگودهی ویدئویی یک مداخله سودمند برای یادگیری پرتاب آزاد بسکتبال در دانش آموزان عقب مانده ذهنی است. نوش آبادی و حومنیان (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی تاثیر تعاملی شیوه های مختلف نمایش ویدئویی و نوع بازخورد بر اجرا و یادگیری مهارت پرتاب دارت پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد گروه خودالگودهی نسبت به گروه های دیگر عملکرد بهتری داشت.

اما برخی دیگر نشان دادند که مداخله خودالگودهی هیچ تاثیر مثبتی در بهبود عملکرد مهارت ندارد (۱۳). مارتینی و همکاران (۲۰۱۱) به مقایسه خودالگودهی (خودمرورگری مثبت، خودمشاهده گری و کنترل) بر عملکرد شنای پروانه پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد هیچ تفاوت معنی داری بین سه گروه در اجرای شنای پروانه با توجه به فرایندهای خودتنظیم وجود نداشت (۱۴). حسن ضیائی (۱۳۹۴) به مقایسه سه گروه خودمرورگری مثبت و الگوی درحال یادگیری با گروه کنترل در تکلیف شنای کرال سینه در کودکان نیمه مبتدی پرداخت. نتیجه این تحقیق نشان داد تفاوت معناداری بین سه گروه مشاهده نشد در این تحقیق از جمله دلایلی که برای معنادار نشدن داده ها ذکر شد این بود که چون آزمودنیها نیمه مبتدی بوده اند، پیشرفت در این سطح زمان بیشتری را می طلبد و تفاوت ها در این سطح به سرعت مشخص نمی شود. از دلایل دیگر تعداد جلسات مداخله بوده است که پیشنهاد شد در جلسات بیشتری انجام شود (۱۵). باتوجه به تناقضات موجود در تحقیقات صورت گرفته که نوع مهارت، سطح مهارت آزمودنی ها و تعداد جلسات تمرینی آنها به عنوان برخی از دلایل این تناقضات ذکر شده است (۱۵). از آنجا که مطالعات اندکی در حیطه ی مقایسه ی خودالگودهی (خودمرورگری مثبت)، الگوی درحال یادگیری و الگوی ماهر در شنای کرال سینه انجام شده است و باتوجه به نتایج متناقضی که در تحقیقات گذشته به دست آمده است، همچنین مرتفع ساختن محدودیت های پژوهش های پیشین که از جمله تعداد جلسات آموزشی و سطح مهارت آزمودنی ها از این موارد میباشد، لذا انجام تحقیقی جهت روشن شدن تناقضات و پوشش دادن محدودیت های تحقیقات گذشته ضروری به نظر می رسد. بنابراین هدف از تحقیق حاضر پاسخ به این سوال است که تاثیر مداخله ی الگوی در حال یادگیری، الگوی ماهر و خودمرورگری مثبت بر یادگیری شنای کرال سینه چیست؟

روش شناسی

این پژوهش از نوع پژوهش های کاربردی است. نوع پژوهش نیمه تجربی همراه با گروه کنترل بود که حدود یک ماه ونیم به طول انجامید. آزمودنی ها شامل چهار گروه (خود مرورگری مثبت، الگوی درحال یادگیری، الگوی ماهر، گروه کنترل) بودند. هر گروه شامل ۸ نفر که در چهار سانس مجزا، هفته ای سه جلسه به تمرین مهارت های شنای کرال سینه

می‌پرداختند. جامعه آماری تحقیق حاضر پسران ۹ تا ۱۱ سال استان البرز بودند که برای آموزش شنا به استخر دانشگاه خوارزمی مراجعه کردند. از بین جامعه مورد نظر باتوجه به معیارهای مشخص ۳۲ نفر انتخاب شدند. آزمودنی‌ها بصورت داوطلبانه و نمونه در دسترس انتخاب شدند. سه معیار برای گزینش این افراد در نظر گرفته شده بود. معیار اول محدودیت سنی بود که بین ۹ تا ۱۱ سال در نظر گرفته شد تا آزمودنی‌ها از لحاظ سنی در یک سطح باشند. دوم: نداشتن سابقه حضور در کلاسهای آموزشی شنا بود تا آزمودنی‌ها از لحاظ سطح مهارت همگی در یک سطح باشند. سوم: اجرای مهارت ستاره یعنی شناور شدن روی آب با دست و پاها کاملاً باز (در جلسه اول) پیش از شروع مداخله بود که توسط مربی سنجیده می‌شد تا هیچ یک از کودکان شرکت کننده در تحقیق ترس از آب نداشته باشند و بدون وقفه در مراحل آموزشی در نظر گرفته شده پیشروی کنند. رضایت نامه حضور در این کلاسها از اولیای کودکان گرفته شد.

ابزار اندازه‌گیری: برای اندازه‌گیری کیفیت شنای افراد با استفاده از چک لیست ارزیابی شنای کرال سینه کلارک و استماری (۲۰۰۷) استاندارد سازی شده و مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده شد که توسط پروین پور اعتبار و پایایی آن ۹۰٪ ذکر شده است (۱۶). هر یک از آیتم‌های موجود در این چک لیست مقیاسی چهار نمره‌ای از صفر تا سه دارد که شامل یکی از ویژگی‌های شنای کرال سینه است. نحوه‌ی نمره‌دهی به هر یک از آنها بدین صورت است که چنانچه ویژگی مورد نظر به هیچ وجه دیده نشود، نمره‌ی صفر، در صورتی که ویژگی مورد نظر حداقل یک بار در طول ۱۰ متر شنای فرد دیده شود، نمره‌ی یک، اگر ویژگی مورد نظر حداقل سه بار در طول ۱۰ متر شنای فرد دیده شود، نمره‌ی دو و در نهایت چنانچه ویژگی مورد نظر به صورت پایدار در طول ۱۰ متر شنای فرد مشاهده شود، نمره‌ی سه به وی تعلق می‌گیرد. در نتیجه حداکثر نمره‌ای که یک فرد می‌تواند کسب کند ۴۲ نمره ($3 \times 14 = 42$) و حداقل نمره ($0 \times 14 = 0$) صفر است. یک مربی درجه یک از فدراسیون شنا به عنوان داور که نسبت به گروه‌های آزمایشی بی‌اطلاع بود، کوشش‌های آزمون شرکت کنندگان را با استفاده از مقیاس ۱۴ آیتمی امتیازدهی کردند (۱۶، ۱۷). این چک لیست در آزمون یادداری فوری، یادداری و انتقال مورد استفاده قرار گرفت. جهت فیلم برداری در مراحل مختلف آموزش و ارائه‌ی مدل گروه‌ها و همچنین آزمون اکتساب، یادداری و انتقال از دو دوربین دیجیتال sony full hd با رزولوشن ۱۶ مگاپیکسل استفاده شد.

یک عدد کورنومتر مدل Q and Q جهت ثبت زمان تمرین و استراحت در حین آموزش، همچنین برای نمایش مدل به گروه‌ها از لپ تاپ asus مدل (K ۵۵۵D) استفاده شد. پس از انتخاب آزمودنی‌ها براساس ملاک‌های مشخص شده، آزمودنی‌ها به صورت بلوک بندی تصادفی به چهار گروه تمرین بدنی همراه با خودمروورگری مثبت، تمرین بدنی همراه با الگوی درحال یادگیری، تمرین بدنی همراه با الگوی ماهر و تمرین بدنی (کنترل) تقسیم شدند. برای دوره مداخله از یک مربی درجه دو فدراسیون شنا استفاده شد تا در هر چهار گروه روند مشابهی را از لحاظ آموزشی به کار برد. روش

آموزش در هر یک از این جلسات بدین شکل بود که ابتدا دستورالعمل‌های آموزشی مربوط به هر یک از مهارت‌های شنای کراال سینه توسط مربی برای نوآموزان شرح داده شد. این توضیحات شفاهی با پرسش از نوآموزان تا جایی ادامه پیدا می‌کرد که مربی مطمئن می‌شد همه به خوبی روش صحیح اجرای مهارت را از نظر تئوری درک کرده‌اند. بعد از این مرحله که حدوداً ۱۰ دقیقه به طول می‌انجامید مربی وارد آب شده و شش کوشش صحیح از تکنیک مورد نظر را به نمایش می‌گذاشت. بعد از آن نوار ویدئویی مربوط به هر گروه به شکلی که در ادامه بیان می‌شود، ارائه شد و سپس آزمودنی‌ها به تمرین بدنی مهارت مورد نظر پرداختند. مداخله‌ی الگودهی به این صورت بود که هر گروه پس از ۱۰ کوشش بدنی که هر کوشش حدود ۴۰ ثانیه به طول انجامید و تقریباً مسافت ۱۰ متری را شامل می‌شد. در فاصله‌ی استراحت شش بار نوار ویدئویی ۱۰ ثانیه‌ای مربوط به گروهی که در آن قرار داشت (الگوی خودمروورگری مثبت، الگوی ماهر و الگوی درحال یادگیری) را مشاهده می‌کردند. در هر جلسه شش بار این فرایند تکرار شد (براساس مطالعه‌ی مقدماتی^۲) که با احتساب زمان توضیحات اولیه‌ی مربی حدوداً ۵۶ دقیقه طول می‌کشید. بعد از آن شاگردان به بازی و فعالیت‌های دیگری همچون یادگیری مهارت دوچرخه در قسمت عمیق پرداختند. الگوها به این صورت بود که گروه مدل ماهر الگوی یکی از شناگران تیم ملی در هر کدام از مهارت‌های مورد نظر که قبلاً توسط مربی فیلم برداری شده را مشاهده کردند. گروه مدل درحال یادگیری، در هر جلسه الگوی مهارت مورد نظر یکی از افراد هم سن خود که از نظر سطح مهارت مشابه آنها بود را مشاهده می‌کردند. گروه خودمروورگری مثبت در هر جلسه فیلم بهترین اجرای خود در مهارت مورد نظر را مشاهده کردند. در این گروه چون باید از تک تک افراد فیلم برداری می‌شد از چهار نفر از مربیان درجه سه برای انجام فیلم برداری استفاده شد. گروه کنترل نیز بدون مداخله‌ی فیلم ویدئویی به تمرین خود پرداختند. این گروه نیز برنامه‌ی تمرین و استراحت کاملاً مشابه با سه گروه قبل داشتند. تمرین به مدت ۱۲ جلسه در هر جلسه ۶۰ کوشش ۴۰ ثانیه‌ای برای هر فرد در نظر گرفته شد. بدین ترتیب نوآموزان چهار گروه، طی ۱۲ جلسه مهارت‌های سر خوردن، پا زدن، دست زدن، نفس گیری، هماهنگی (دست و پا و نفس گیری) و شنای کراال سینه کامل را تمرین کردند. همه آزمودنی‌ها در پایان جلسه دوازدهم تمرینی مورد آزمون قرار گرفتند. این آزمون شامل ۱۰ متر شنای کراال سینه در جلوی دوربین فیلم برداری در قسمت کم عمق استخر از زاویه‌ی پهلوی بود. این فیلم‌ها برای ارزیابی‌های بعدی در اختیار مسئول مربوطه قرار گرفت. یک هفته بعد از آخرین جلسه آزمون یادداری و انتقال همانند آزمون یادداری فوری از آنها گرفته شد. برای آزمون انتقال در قسمت عمیق استخری دیگر هر یک به صورت انفرادی آزمون ۱۰ متر شنای کامل کراال سینه در جلوی دوربین فیلم برداری را اجرا کردند و باتوجه به چک لیست ذکر شده مورد ارزیابی قرار گرفتند (۱۵). برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری spss۲۲ استفاده شد. برای محاسبه‌ی میانگین، انحراف استاندارد و رسم نمودارها از آمار توصیفی استفاده شد. از آزمون

^۲ pilot .

شاپیرو و ویلک برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، و برای مقایسه‌ی بین سه گروه، از روش آماری تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده کردیم.

یافته‌های تحقیق

نتایج تحلیل واریانس یک راهه در آزمون یادداری فوری نشان می‌دهد اثر اصلی گروه‌های آزمایشی معنی‌دار است. به منظور تعیین تفاوت ها در بین گروه‌های آزمایشی از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد، بین گروه خودمروورگری مثبت و گروه الگوی درحال یادگیری با اختلاف میانگین $0/232$ و $P\text{-Value}$ بزرگتر از $(0/05)$ ($P\text{-value} = 0/253$) تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین گروه خودمروورگری مثبت با دو گروه الگوی ماهر و گروه کنترل ($P\text{-value} = 0/000$) تفاوت وجود دارد و در هر دو مورد میانگین گروه خود مروورگری مثبت بیشتر است. بین گروه الگوی درحال یادگیری با گروه الگوی ماهر (تفاوت میانگین $= 0/696$ و $P\text{-value} = 0/000$) و همچنین گروه الگوی درحال یادگیری با گروه کنترل (تفاوت میانگین $= 1/491$ و $P\text{-value} = 0/000$) تفاوت وجود دارد و در هر دو مورد میانگین گروه الگوی درحال یادگیری بیشتر است. همچنین تفاوت میانگین‌های گروه الگوی ماهر و گروه کنترل برابر $0/794$ می‌باشد و چون $P\text{-Value}$ آن برابر $0/000$ می‌باشد و چون این سطح معناداری کمتر از $0/05$ می‌باشد این تفاوت معنادار است یعنی میانگین گروه ماهر از گروه کنترل بیشتر است.

جدول ۱: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مشخص کردن اختلاف بین گروه ها در مرحله یادداری فوری

گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین‌ها (I-J)	خطای استاندارد	P-Value
خودمروورگری مثبت	الگوی در حال یادگیری	$0/232$	$0/122$	$0/253$
	الگوی ماهر	$0/927$	$0/122$	$0/000^*$
	کنترل	$1/723$	$0/122$	$0/000^*$
الگوی درحال یادگیری	الگوی ماهر	$0/696$	$0/122$	$0/000^*$
	کنترل	$1/491$	$0/122$	$0/000^*$
الگوی ماهر	کنترل	$0/794$	$0/122$	$0/000^*$

*در سطح معناداری $0/05$

در مرحله‌ی یادداری با توجه به نتایج آزمون تعقیبی توکی بین گروه خودمروورگری مثبت و گروه الگوی درحال یادگیری با اختلاف میانگین $0/357$ و $P\text{-Value}$ کمتر از $0/05$ ($P\text{-value} = 0/000$) تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بین گروه خودمروورگری مثبت با دو گروه ماهر و کنترل ($P\text{-value} = 0/000$) تفاوت وجود دارد و در هر دو مورد میانگین

گروه خودمروورگری مثبت بیشتر است. بین گروه الگوی درحال یادگیری با گروه الگوی ماهر (تفاوت میانگین = ۰/۵۰۸ و $P\text{-value} = ۰,۰۰۰$) و گروه الگوی درحال یادگیری با گروه کنترل (تفاوت میانگین = ۱/۷۵۰ و $P\text{-value} = ۰,۰۰۰$) تفاوت وجود دارد و در هر دو مورد میانگین گروه الگوی درحال یادگیری بیشتر است. همچنین تفاوت میانگین های گروه الگوی ماهر و گروه کنترل برابر ۰/۸۸۳ می باشد و $P\text{-Value}$ آن برابر ۰/۰۰۰ می باشد و چون این سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد این تفاوت معنادار است.

جدول ۲: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مشخص کردن اختلاف بین گروه ها در مرحله یادداری

گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین ها (I-J)	خطای استاندارد	P-Value
خودمروورگری مثبت	در حال یادگیری	۰/۳۵۷	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰*
	ماهر	۰/۸۶۶	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰*
	کنترل	۱/۷۵۰	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰*
الگوی درحال یادگیری	ماهر	۰/۵۰۸	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰*
	کنترل	۱/۳۹۲	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰*
الگوی ماهر	کنترل	۰/۸۸۳	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰*

*در سطح معناداری ۰/۰۵

در مرحله انتقال نیز اثر گروه های آزمایشی معنی دار است و نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان می دهد بین گروه خودمروورگری مثبت و گروه الگوی درحال یادگیری با اختلاف میانگین ۰/۳۹۲ و $P\text{-Value}$ کوچکتر از ۰/۰۵ ($P\text{-value} = ۰,۰۰۰$) تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بین گروه خودمروورگری مثبت با دو گروه الگوی ماهر و گروه کنترل ($P\text{-value} = ۰,۰۰۰$) تفاوت وجود دارد و در هر دو مورد میانگین گروه خودمروورگری مثبت بیشتر است.

بین گروه الگوی درحال یادگیری با گروه الگوی ماهر (تفاوت میانگین = ۰/۵۷۱ و $P\text{-value} = ۰,۰۰۰$) و همچنین گروه الگوی درحال یادگیری با گروه کنترل (تفاوت میانگین = ۱/۴۱۹ و $P\text{-value} = ۰,۰۰۰$) تفاوت وجود دارد و در هر دو مورد میانگین گروه الگوی درحال یادگیری بیشتر است.

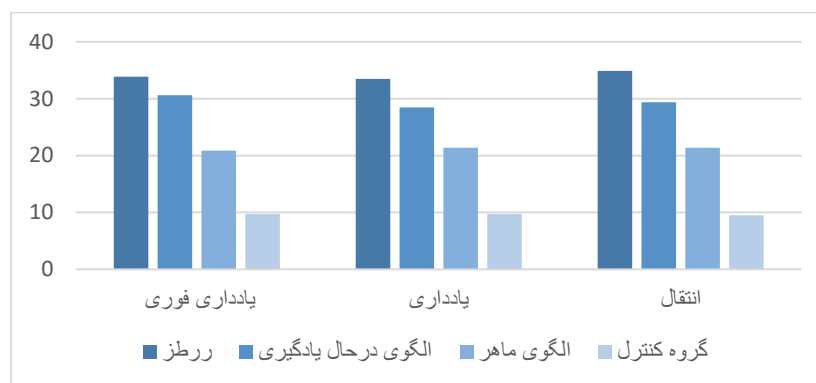
همچنین تفاوت میانگین های گروه الگوی ماهر و گروه کنترل برابر ۰/۸۴۸ می باشد و چون $P\text{-Value}$ آن برابر ۰/۰۰۰ می باشد و چون این سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد این تفاوت معنادار است یعنی میانگین گروه الگوی ماهر از گروه کنترل بیشتر است.

جدول ۳: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مشخص کردن اختلاف بین گروه ها در مرحله انتقال

گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین ها (I-J)	خطای استاندارد	P-Value
خودمروگرگی مثبت	الگوی درحال یادگیری	۰/۳۹۲	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰*
	الگوی ماهر	۰/۹۶۴	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰*
	کنترل	۱/۸۱۲	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰*
الگوی درحال یادگیری	الگوی ماهر	۰/۵۷۱	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰*
	کنترل	۱/۴۱۹	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰*
الگوی ماهر	کنترل	۰/۸۴۸	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰*

*در سطح معناداری ۰/۰۵

نمودار ۱ میانگین نمرات گروه ها در آزمون های یادداری فوری ، یادداری و انتقال بر اساس آزمون تعقیبی توکی



بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این تحقیق بررسی تاثیر الگوی در حال یادگیری، الگوی ماهر و خودمروگرگی مثبت بر یادگیری شنای کراال سینه در کودکان استان البرز با دامنه سنی ۹ تا ۱۱ سال بود که برای آموزش شنا، به استخر دانشگاه خوارزمی مراجعه کردند. در این تحقیق به مقایسه گروه ها در آزمون های یادداری فوری ، یادداری و انتقال پرداخته شد. در مرحله یادداری فوری به مقایسه انواع مداخله (خودمروگرگی مثبت، الگوی درحال یادگیری، الگوی ماهر و گروه کنترل) بر کیفیت اجرای مهارت شنای کراال سینه پرداخته شد. نتایج این بخش حاکی از وجود تفاوت معنادار در بین گروه ها بود. به این صورت که بین گروه خودمروگرگی مثبت و گروه الگوی درحال یادگیری تفاوت وجود داشت اما این اختلاف معنادار

نبود. اما بین گروه خودمروورگری مثبت و گروه الگوی ماهر و گروه کنترل در نتایج به دست آمده تفاوت معنادار به نفع گروه خودمروورگری مثبت وجود داشت. همچنین گروه الگوی درحال یادگیری از دو گروه ماهر و کنترل نتایج بهتری کسب کردند و در آخر گروه الگوی ماهر از گروه کنترل نتایج سودمندتری به دست آوردند. ویس و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی که بر روی شنای کودکان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که گروه الگوی درحال یادگیری و گروه الگوی ماهر از گروه کنترل در مرحله اکتساب عملکرد بهتری داشتند. همچنین شمسی پور و عبدلی (۱۳۹۵) در پژوهشی که بر روی سرویس بلند بدمینتون داشتند اینگونه نتیجه گرفتند که، گروه خودالگودهی پیشخوراند و خودمروورگری مثبت نتایج بهتری نسبت به دو گروه خودمشاهده گری و تمرین بدنی کسب کردند. نتایج این تحقیقات در راستای نتیجه تحقیق حاضر می باشد. استماری (۲۰۰۷) بیان می کند، هرچه مدل مشاهده شده شباهت بیشتری به خود فرد داشته باشد (مشاهده ی خود) ممکن است تاثیر موثرتری در اجرای مهارت داشته باشد. شاید این یکی از دلایل برتری گروه خودمروورگری مثبت و الگوی درحال یادگیری باشد. در تحقیقی که نتیجه ی آن با این پژوهش در تناقض بود زتو و همکاران (۲۰۰۲) به مقایسه دو مدل ماهر و غیرماهر در اکتساب دو مهارت والیبال پرداختند، نتایج حاکی از برتری مدل ماهر نسبت به گروه مدل غیر ماهر در اجرای تمرین بود. شاید نوع مهارت و سن آزمودنی ها در تحقیق ایشان موجب شده باشد که گروه الگوی ماهر از دیگر گروه ها نتایج بهتری در مرحله اکتساب به دست آورند.

در مرحله یادداری به مقایسه ی انواع مداخله (خودمروورگری مثبت، الگوی درحال یادگیری، الگوی ماهر و گروه کنترل) بر کیفیت شنای کرال سینه کودکان پرداخته شد. نتایج نشان داد بین چهار گروه تفاوت معنادار وجود دارد. به این صورت که گروه خودمروورگری مثبت، از سه گروه (الگوی ماهر، درحال یادگیری و کنترل) نمرات بهتری کسب کردند. بعد از آن گروه الگوی درحال یادگیری از (گروه الگوی ماهر و گروه کنترل) بهتر بودند و در آخر گروه الگوی ماهر از گروه کنترل نمرات بالاتری به دست آوردند. در تحقیق ضیائی (۱۳۹۴) که متغیرهایی مشابه با تحقیق حاضر داشت نشان داده شد، نوع الگودهی در عملکرد آزمودنی ها در آزمون یادداری اثری ندارد. شاید یکی از عوامل تناقض این تحقیق با پژوهش حاضر سطح مهارت آزمودنی ها باشد زیرا هرچه سطح مهارت فرد بالا تر رود پیشرفت او کمتر به چشم می آید. همچنین تعداد جلساتی که در تحقیق ضیائی در نظر گرفته شده خیلی کم بود به همین دلیل شاید پیشرفت آزمودنی ها محسوس نبوده باشد. کلارک و استماری (۲۰۰۷) در تحقیقی به بررسی تأثیر مداخله ی خودالگودهی و خودمشاهده گری و نیز فرایندهای خودتنظیمی بر عملکرد شنای کودکان پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش در آزمون یادداری نشان داد، خودالگودهی باعث می شود کودکان عملکرد بهتری در مهارت شنا داشته باشند. همچنین باندورا (۱۹۹۷) اظهار داشت نمایش ویدئویی آزمودنی ها، خودکارآمدی یا باورهای توانایی یادگیرنده در اجرای مهارت را با ایجاد تجربه های مسلط در مهارت افزایش می دهد. تجربه های مسلط باندورا قوی ترین منبع اطلاعاتی باورهای خودکارآمدی معرفی شده اند. بنابراین تماشای بهترین

اجراهای خود در ویدئو باعث ایجاد تجربه‌ای مسلط و قوی در فراگیر می‌شود. تماشای تجربه‌ی مسلط ممکن است باعث احساس رضایت و ارزیابی مثبت فراگیر از اجرای خود شود. شاید این یکی از مهمترین دلایل برتری گروه خودالگودهی مثبت نسبت به سایر گروه‌ها باشد زیرا طبق دیدگاه بندورا تماشای بهترین نوارویدئویی از اجرای خود فرد موجب می‌شود، یادگیرنده اطلاعات ضروری برای انتخاب اهداف واقعی را به دست آورد (۱۸).

در مرحله انتقال به مقایسه‌ی انواع مداخله (خودمرورگری مثبت، الگوی درحال یادگیری، الگوی ماهر و گروه کنترل) بر کیفیت شنای کرال سینه کودکان پرداخته شد. آزمون انتقال از این جهت گرفته شد تا مشخص شود آیا نوآموزان می‌توانند مهارت فراگرفته را در شرایط متفاوت (قسمت عمیق استخری دیگر) نیز اجرا کنند و نوع الگوی مشاهده شده تفاوتی در عملکرد آزمودنی‌ها ایجاد می‌کند یا خیر؟ نتایج این آزمون نیز تفاوت معنادار بین گروه‌ها را نشان داد. به این ترتیب که گروه خودمرورگری مثبت، از سه گروه (الگوی ماهر، الگوی درحال یادگیری و کنترل) نمرات عملکرد بالاتری به دست آوردند. بعد از آن گروه الگوی درحال یادگیری از (گروه الگوی ماهر و گروه کنترل) عملکرد برتری داشتند. همچنین گروه الگوی ماهر از گروه کنترل نمرات بهتری کسب کردند.

نزدیک ترین تحقیق به پژوهش حاضر تحقیق ضیائی (۱۳۹۴) است که بین گروه‌ها در آزمون انتقال تفاوتی مشاهده نکرد. تحقیقات دیگری که از آزمون انتقال استفاده کرده اند از جمله پژوهش شمسی پور و عبدلی (۱۳۹۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که فراگیران از ترکیب تمرین بدنی با مداخله‌های خود به عنوان مدل (پیشخوراند، خودمرورگری مثبت) اطلاعات بیشتری درباره‌ی اجرای مهارت و آنچه برای ارتقای باورهای خودکارآمدی و پیشرفت در کوشش‌های اجرای آینده شان لازم است، به دست می‌آورند. شاید یکی از دلایل برتری گروه خودمروری مثبت در تحقیق حاضر نیز جنبه‌هایی همچون احساس خودکارآمدی بالاتر در این گروه بوده باشد. همچنین پیرمردیان و بهرام (۱۳۹۱) در تحقیق خود بیان کردند الگودهی ویدئویی یک مداخله‌ی سودمند برای یادگیری پرتاب آزاد بسکتبال در دانش آموزان عقب مانده‌ی ذهنی است. با این وجود، خودالگودهی نسبت به الگوی فرد ماهر سودمندتر است و مهارت آموخته شده از این طریق، با گذشت زمان حفظ می‌شود. شاید یکی دیگر از دلایل برتری گروه خودمرورگری مثبت در آزمون انتقال این تحقیق، این باشد که نوع الگو در انتقال و تطبیق مهارت در شرایط مختلف موثر است. نوش آبادی و حومنیان (۱۳۹۱) در تحقیقی که بر روی اثر تعاملی الگوی ماهر و خودمشاهده‌گری و نوع بازخورد بر اجرا و یادگیری مهارت پرتاب دارت داشتند در آزمون انتقال به این نتیجه رسیدند که، بازخورد خودکنترل و خودالگودهی موجب بهبود یادگیری می‌شود. مارتینی (۲۰۱۱) استماری (۲۰۰۷) عنوان کردند روش خودمرورگری مثبت تغییرات رفتاری موثری در اجرای مهارت در فراگیر ایجاد می‌کند. آنها عنوان کردند احتمالاً الگوهای مداخله‌ای مشاهده‌ی خود، به همراه تمرین بدنی تاثیر متفاوتی بر شناخت

و ویژگی‌های روانشناختی فراگیر (مانند باورهای خودکارآمدی، اعتماد به نفس، خودتنظیمی، استرس و غیره...) می‌گذارد و خودالگودهی مثبت به طور موثری تحت تاثیر این متغیرها قرار می‌گیرد. همچنین پژوهش‌هایی که نتایج آن با تحقیق حاضر همراستا نبوده است مانند تحقیقات بازوکا و همکاران (۲۰۰۷) زتو و همکاران (۲۰۰۲)، ضیائی (۱۳۹۴)، شاید بتوان سطح مهارت آزمودنی‌ها، نوع مهارت (مجرد و مداوم بودن) را از جمله دلایل تفاوت نتایج آنها با تحقیق حاضر بیان کرد.

تقریباً اکثر پژوهش‌هایی که در حیطه‌ی الگودهی انجام شده است بر موثر بودن این شیوه در آموزش مهارت‌ها اشاره کرده‌اند. مهمترین دلایل برتری الگودهی نسبت به گروه تمرین بدنی را به ابعاد روانی همچون انگیزتگی، خودکارآمدی بالاتر، اعتمادبه‌نفس بیشتر این گروه نسبت داده‌اند. همچنین پژوهش‌هایی که نتایج متفاوتی به دست آورده‌اند ریشه‌ی این تناقضات را می‌توان در عواملی همچون سن آزمودنی‌ها، تفاوت‌های میان ماهیت تکلیف، مهارت مورد نظر، سطح تبحر فراگیر، جنس آزمودنی‌ها، تفاوت‌های فردی از نظر جسمانی، روانی، شخصیتی و شرایط احتمالی پیدا کرد، که به طور تصادفی ممکن است طی جلسات تمرین اتفاق افتد (۱۴). در این تحقیق نیز هر سه گروهی که از مداخله الگودهی استفاده کردند از گروه تمرین بدنی نتایج بهتری کسب کردند. این برتری را می‌توان در نتیجه‌ی عوامل و فاکتورهای ذکر شده از قبیل خودکارآمدی و انگیزتگی همچنین اعتمادبه‌نفس بالاتر گروه الگودهی در مقایسه با گروه تمرین بدنی نسبت داد.

با مرور تحقیقات صورت گرفته در این حیطه به این نتیجه می‌رسیم، اکثر پژوهش‌هایی که نشان از برتری الگوی خودمروورگری مثبت نسبت به الگوی درحال‌یادگیری والگوی ماهر را مورد بررسی قرار داده‌اند، همه‌ی آنها بر اثر مفید فاکتورهای روانشناختی در این نوع خاص الگودهی تاکید دارند. وقتی فرد بهترین اجرای خود را در هر مرحله آموزش تماشا می‌کند، دید مثبتی از رفتار خود در ذهنش نقش می‌بندد. به نظر می‌رسد این نگاه مثبت احساس رضایت را در فرد افزایش داده و به دنبال آن اعتماد به نفس او بالاتر رفته و از نظر روانی، انگیزتگی و انگیزه‌ی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و تلاش او را در ادامه‌ی تمرین دوچندان می‌کند. در تحقیق حاضر نیز گروه خودمروورگری مثبت از سایر گروه‌ها نتایج بهتری کسب کردند که شاید فاکتورهای روانشناختی از مهمترین دلایل برتری این گروه نسبت به سایر گروه‌ها باشد.

در گذشته فرض بر این بود که مدل‌هایی که در جهت یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند حتماً می‌بایست در مهارت مورد نظر بسیار ماهر باشند، چرا که تنها در این صورت است که مشاهده‌گرها اطلاعاتی درباره‌ی چگونگی اجرای صحیح تکلیف دریافت می‌کنند. آدامز (۱۹۸۶) برای اولین بار از (مدل‌های در حال یادگیری) استفاده کرد. و بعد از آن محققان بسیاری از این نوع الگودهی در تحقیقات خود استفاده کردند و از جمله مهمترین دلایلی که به عنوان برتری آن بر الگوی ماهر بیان کردند این بود که، در الگوی درحال یادگیری، مشاهده‌گرها قادرند در فرایندهایی مشابه با تمرین جسمانی درگیر شوند و در نتیجه می‌توانند مرجع تصحیحی را توسعه دهند که در هنگام اجرای تکلیف از سوی خودشان مورد استفاده

قرارگیرد. آنها باتوجه به اجراهایی که مربی برای آنها انجام می‌دهد و الگوی درحال یادگیری که از طریق ویدئو تماشا می‌کنند در فرایند آزمون و خطای یادگیری مهارت قرار می‌گیرند که موجب یادگیری بیشتر در آنها می‌گردد (۱۹). در تحقیق حاضر نیز گروه الگوی درحال یادگیری از گروه الگوی ماهر عملکرد بهتری داشتند این برتری را می‌توان به فرایند های ذهنی و آزمون و خطاهایی که از مشاهده‌ی الگوی مشابه در ذهن فرد شکل می‌گیرد و در نهایت موجب یادگیری بهتر می‌شود نسبت داد.

در اکثر تحقیقاتی که در این حیطه انجام شده کمتر پژوهشی تمام آزمون‌های یادگیری را پوشش داده است. در این تحقیق هر سه آزمون‌های اکتساب، یادداری، انتقال از آزمودنی‌ها گرفته شد. از این نظر یکی از جامع ترین تحقیقاتی است که در سال‌های اخیر صورت گرفته و نتایج آن نیز به طور کامل مبانی این حیطه را تایید می‌کند. برطبق نظریه یادگیری مشاهده‌ای باندورا در میان مداخله‌های ویدئویی، خودالگودهی نسبت به سایر روش های الگودهی سودمندتر است. علاوه برآن مشاهده خود فرد، منجر به افزایش توجه و انگیزتگی روانشناختی در فرد می‌شود (۲۰). باتوجه به تاثیر روانی که این نوع الگودهی بر افراد می‌گذارد، انگیزه‌ی آنها برای تماشا و توجه کردن به الگو افزایش یافته که باعث یادگیری پایدارتر و همچنین توانایی انتقال مهارت به شرایط دیگر می‌شود (۱۰). همچنین هولمس و کالمس (۲۰۰۸) دریافتند از نظر نوروفیزیولوژیکی مشاهده‌ی الگوی خود در مقایسه با مشاهده الگوی دیگران به ساز و کارهای عصبی و پاسخ های عملکردی بیشتر و کارآمدتری می‌انجامد (۸). داوریک (۲۰۱۲) و کولسوم، آدامز، اودییر و کراکسون (۲۰۰۶) دریافتند نرون‌های آینه‌ای که در مناطق مختلف قشر بینایی، کورتکس پیش پیشانی، لوب گیجگاهی و آهیانه مغز درگیرند هنگام استفاده از مداخله‌های خودالگودهی نسبت به الگوهای دیگران، بیشتر فعالیت می‌کنند (۲۱). پژوهشگران با استناد به تئوری‌های یادگیری - اجتماعی و خودکارآمدی باندورا (۲۰۰۸، ۱۹۹۷) به این نتیجه رسیدند، انواع روشهای مشاهده الگوی خود با تأکید بر تجارب ماهرانه قبلی یا به عبارتی دیگر با ایجاد یک تصویر موفقیت‌آمیز از اجرای آینده، باعث افزایش باورهای خودکارآمدی حافظه و در نتیجه پیشرفت عملکرد فراگیر می‌شوند (۱۸). بندورا (۲۰۰۸) باورهای خودکارآمدی حافظه را باور و قضاوت فرد از توانایی خود در انجام وظایف گوناگون در شرایط آنها تعریف کرد (۲۲). در این تحقیق نیز گروه خودالگودهی مثبت در هر سه شرایط اکتساب، یادداری و انتقال از سه گروه دیگر از نظر کیفیت اجرای مهارت بهتر بودند.

گروه دیگری که در این آزمون مورد بررسی قرار گرفت الگوی درحال یادگیری بود. باتوجه به مبانی این حیطه هرچه الگو از نظر اجرای مهارت به فرد شبیه‌تر باشد فرد ارتباط بهتری با الگو برقرار می‌کند و او را در شرایط آزمون و خطا قرار می‌دهد و فرد وادار به تفکر درباره‌ی مهارت می‌شود. این درگیری ذهنی نوآموز در هنگام اکتساب مهارتها موجب

یادگیری بهتر می شود (۱۹). بر اساس عقیده‌ی آدامز (۱۹۸۶) و اشمیت (۱۹۹۹)، یادگیری حرکتی فرایند حل مسئله‌ای است که در آن فرد عملی انجام می‌دهد تا حرکتی را به انجام برساند. سپس بازخورد دریافت می‌کند تا در تکرار بعدی حرکت خود را تنظیم کند. در اینجا تاکید بر فرایند آزمایش و خطاست. زیرا اصلاحات مبتنی بر دانش از خطاهای حرکتی، سرانجام منجر به ایجاد یک بانک اطلاعاتی برای تولید حرکت و مبنای دانش برای ارزیابی حرکات فرد می‌شود. بنابراین الگوی درحال‌یادگیری، می‌تواند ابزاری بسیار مناسب در یک موقعیت آموزشی باشد، به این طریق که شاگردان فرصت مشاهده‌ی اجرای دیگر فراگیران را داشته باشند و از آن برای انجام حرکات خود، بهره‌گیرند. در این تحقیق نیز بعد از گروه خودمروورگری مثبت این گروه نمرات بهتری در سه آزمون اکتساب، یادداری و انتقال به دست آوردند.

آخرین گروهی که نتایج آن از گروه کنترل بهتر بود، گروهی بود که الگوی ماهر را تماشا می‌کردند. اسکالی و نیوول (۱۹۸۵) و انتیگ (۱۹۸۸) بیان کردند مشاهده‌ی الگوی ماهر اطلاعاتی را فراهم می‌کند که به توسعه‌ی الگوی هماهنگی اندام‌ها و بدن برای اجرای مهارت منجر می‌شود. بنابراین، این اطلاعات می‌تواند توسعه‌ی هماهنگی بین حرکت اندام‌ها و بدن را تسهیل کند. همچنین، افراد می‌توانند به سادگی شکل یا الگوی مهارت را ایجاد کرده (نظریه طرحواره اشمیت) و سپس مهارت را اجرا کنند. بنابراین افراد می‌توانند از طریق الگودهی، اجزای شناختی تکلیف را کسب کنند، اما اجرای صحیح نیاز به تمرین بیشتر و استفاده از اطلاعات بازخوردی دارد. این الگو قدیمی‌ترین، و پراستفاده‌ترین الگویی است که در اکثر مهارتها استفاده می‌شود. همچنین در تحقیقات مختلف سودمند بودن آن اثبات شده است. در تحقیق حاضر نیز اثر مفید الگوی ماهر در آزمون‌های اکتساب، یادداری و انتقال نشان داده شد. مقایسه با دو گروه خودمروورگری و الگوی درحال‌یادگیری نتایج ضعیف‌تری به دست آوردند. این پژوهش در ادامه‌ی تحقیقات هم راستای خود به نقش مهم یادگیری مشاهده‌ای و الگودهی بخصوص خودمروورگری مثبت اشاره دارد. همچنین این روش الگودهی را بهترین نوع نمایش الگو در آموزش مهارت شنای کرال سینه در سنین پایین پیشنهاد می‌کند.

منابع

1. Schmidt RA, Lee T. Motor control and learning: Human kinetics; 1988.
2. Gibson JJ. The ecological approach to visual perception: classic edition: Psychology Press; 2014
3. Schmidt RA, Lee T. Motor control and learning: Human kinetics; 1988.
4. Gibson JJ. The ecological approach to visual perception: classic edition: Psychology Press; 2014.
5. McCullagh P, Meyer KN. Learning versus correct models: Influence of model type on the learning of a free-weight squat lift. Research Quarterly for Exercise and Sport. 1997;68(1):56-61.
6. Dana.amir RShj. The effect of an observational practice period on learning of vally babminton service. Australian Journal of basic and applied sciences. 2011.

7. Martineau B, Mamede S, St-Onge C, Rikers RM, Schmidt HG. To observe or not to observe peers when learning physical examination skills; that is the question. *BMC medical education*. 2013;13(1):1.
8. Martens R, Burwitz L, Zuckerman J. Modeling effects on motor performance. *Research Quarterly American Alliance for Health, Physical Education and Recreation*. 1976;47(2):277-91.
9. Zetou E, Tzetzis G, Vernadakis N, KIOUMOURTZOGLOU E. Modeling in learning two volleyball skills. *Perceptual and motor skills*. 2002;94(3c):1131-42.
10. Holmes P, Calmels C. A neuroscientific review of imagery and observation use in sport. *Journal of motor behavior*. 2008;40(5):433-45.
11. Starek J, McCullagh P. The effect of self-modeling on the performance of beginning swimmers. *Sport Psychologist*. 1999;13:269-87.
12. Dowrick PW. A review of self modeling and related interventions. *Applied and preventive psychology*. 2000;8(1):23-39.
13. Dowrick PW, Raeburn JM. Self-modeling: Rapid skill training for children with physical disabilities. *Journal of Developmental and Physical Disabilities*. 1995;7(1):25-37.
14. Drazin D. The use of self-modeling to improve motor performance (golf). *Dissertation Abstracts International*. 1985;46(B):946.
15. Winfrey ML, Weeks DL. Effects of self-modeling on sf-efficacy and balance beam performance. *Perceptual and motor skills*. 1993;77(3):907-13.
16. Martini R, Rymal A, Ste-Marie DM. Investigating self-as-a-model techniques and underlying cognitive processes in adults learning the butterfly swim stroke. *Int J Sport Sci Eng*. 2011;5:242-56.
17. Determining the effect of learning pattern intervention, self-modeling on crawl swimming performance in semi-beginners. Thesis of Shahid Beheshti University. 2015.1-156
18. Parvinpour, the effect of dyad training on learning front crawl swimming. *tehran university*. 2013 .1-163
19. Clark SE, Ste-Marie DM. The impact of self-as-a-model interventions on children's self-regulation of learning and swimming performance. *Journal of Sports Sciences*. 2007;25(5):577-86.
20. Bandura A. Self Efficacy. *The Exercise of Control*, New York: W H. Freeman & Co Student Success. 1997;333:48461.
21. Bandura A, McClelland DC. *Social learning theory*. 1977.
22. Hosford RE. Self-as-a-model: A cognitive social learning technique. *The Counseling Psychologist*. 1980.
23. Coulson SE, Adams RD, O'Dwyer NJ, Croxson GR. Use of video self-modelling and implementation intentions following facial nerve paralysis. *International Journal of Therapy & Rehabilitation*. 2006;13(1).
24. Bandura A. Toward an agonic theory of the self. In H. W. Marsh, R. G. Craven, & D. M. McInerney Eds., *Self- processes, learning, and enabling human potential: Dynamic new approaches* (pp 15 – 49) Charlotte, NC: Information Age Publishing. 2008.

پیوست ۱: چک لیست ارزیابی شنای کراال سینه

اجزای شنای کراال سینه	ناقص ۰	ناپایدار ۱	تأحدودی پایدار ۲	کاملاً پایدار ۳
۱. بالانگداشتن آرنج در طی مرحله کشش و استراحت				
۲. ثبات محور هوریزنتال بدن، نگهداشتن سر بر روی خط مستقیم (کج نشدن سر)				
۳. چرخش تنه حول محور طولی بدون تاب خوردن لگن				
۴. پا زدن متواتر از ناحیه لگن با پنجه کشیده				
۵. ورود دستها به آب در جلوی سر و در راستای شانه‌ها				
۶. اجرای کشش زیر آب دست خم شده در الگوی S شکل				
۷. شتاب دار بودن حرکت دست در مرحله کشش				
۸. ادامه‌ی کشش دست تا عبور از لگن				
۹. فوت کردن در زیر آب، نفس‌گیری از پهلو در صورت نیاز (بدون وقفه)				
۱۰. هماهنگی بین نفس‌گیری و دست در مرحله استراحت				
۱۱. نگهداشتن انگشتان کنار هم در مرحله کشش				
۱۲. چرخاندن سر به طرفین هنگام نفس‌گیری و بازگرداندن بی‌درنگ آن در آب				
۱۳. حرکت دستها با سرعتی برابر و همسان				
۱۴. استراحت دادن به دستها به صورت مخالف هم، بدون کشش همزمان دو دست				